



شماره ثبت: ۳۱۵۴

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

| | |
|---|--|
| ۲ | نجش |
| ۲ | مرور بر گذشته |
| ۲ | نکته سوم: اختلافات در مؤثر اضرار |
| ۳ | جمع بندی |
| ۴ | تأثیر توافق بایع و ناجش در حرمت |
| ۴ | نتیجه گیری در دلیل سوم |
| ۴ | دلیل چهارم: ظلم |
| ۴ | اشکال: ظلم ادله‌ی مستقل نیست |
| ۴ | جواب اشکال |
| ۵ | نتیجه گیری |
| ۵ | نکته مهم |



نجش

مرور بر گذشته

در جلسات قبل حرمت نجش را مطرح کردیم. دلایلی که بر این امر آمده بود:

۱. دو روایت نبوی بود.

۲. قاعده حرمت غش در معامله. این قاعده دلالت تام داشت، البته در جایی که معامله محقق بشود و مازادی را از مشتری گرفت، تعلق می‌گیرد.

۳. حرمت اضرار.

انواع اضرار را ذکر کردیم. اضرار به غیر حرام بود. اضرار مثل غش، در جایی صادق است که خرید با قیمت نامتعارف انجام شود از سویی همین اقدام، باعث افزایش قیمت شده باشد نه چیزهایی مثل مزایده و ... محدودده دلالت اضرار مثل قاعده غش است.

نکته سوم: اختلافات در مؤثر اضرار

اضرار فعل نجاش است یا خیر؟ در اینجا بین اعلام اختلافی وجود دارد. مرحوم تبریزی (ره) و مرحوم آیت‌الله خوئی (ره) می‌فرمایند که اضرار مستند به نجاش نیست، بلکه عملی است که مشتری به آن اقدام کرده است. درست است که رفتار نجاش اثر داشته است ولی اضرار اقدام مشتری است.

این بحث برمی‌گردد به مبحث دیگری که ما در بعضی از افعال سبب و مباشر داریم. یعنی کسی را با علم و آگاهی جایی می‌برد، و باعث ضرر رساندن به او می‌شود. در سبب و مباشر اختلاف وجود دارد.

درست است که مباشر، اقدامی خلاف واقع انجام داده است، ولی شخص باید دقت کند. شخص دارای اختیار است و می‌تواند دقت را اعمال کند، عرف اضرار را به نجاش متعلق نمی‌کند. درست است که نجاش، اثر داشته است. اما شخص باید دقت کند.



شماره ثبت: ۳۱۵۴

در انوارالفقاهه، نقطه‌ی مقابل گفته شده است. فرض این است که مباشر طوری تبلیغات کرده است و طوری شخص اقدام به خرید کرده است که قانع شده است و چشم و گوش شخص بسته شده است. در نتیجه اضرار را به شخص اطلاق نمی‌دهند و اگر به شخص اطلاق بدهند، به مباشر نیز اطلاق می‌دهند.

ما نیز فکر می‌کنیم در اضرار قاعده کلی وجود ندارد. یعنی گاهی شرایط در سبب به شکلی است که عرف به آن متعلق می‌شوند و گاهی به مباشر تعلق می‌گیرد.

در اینجا نباید بگوییم مطلقاً اضرار فعل مشتری است. این نکته مؤثر شرایط است. شرایطی وجود دارد که شخص زمانی که اقدام می‌کند، احتمال اضرار می‌دهد. در این صورت خود شخص مقصر است. گاهی نیز مباشر اقدامی غیرمتعارفی کرده است و شخص را فریفته است. گاهی السبب اقوی من المباشر است و گاهی نیز مباشر اقوی است. نباید با یک قاعده کلی، اضرار را به یک طرف اطلاق بدهیم.

جمع بندی

در این مطلب سه نظر وجود دارد:

۱. نظر آیت‌الله خویی و آیت‌الله تبریزی
۲. نظری که در انوارالفقاهه آمده است.
۳. نظری که به تفصیل اطلاق دارد.

دو احتمال دیگر نیز وجود دارد:

در جایی که مباشر اقوی باشد (غالباً این چنین است)، مباشر اعانه علی الاثم کرده است. در نتیجه حرمت دارد.

احتمال دیگر این است که اضرار به نحو مشارکت انجام شده است. زمانی که سبب اقوی است، گاهی حامل به او نسبت داده می‌شود و گاهی نیز می‌گوییم تعاون است. اگر قاعده تعاون باشد، می‌گوییم وی نیز اضرار است.



تأثیر توافق بایع و ناجش در حرمت

نمی‌توانیم بگوییم که توافق تأثیر خاصی ندارد. این توافق تنها باعث می‌شود که سبب اقوی بشود.

نتیجه‌گیری در دلیل سوم

در دلیل سوم ما باید قائل به تفصیل باشیم. البته در اعانه مطلق است.

بایع هم غاش و هم اضر است. در ادله عامه، عنوان نجش وجود ندارد، فقط عناوینی چون غاش و اضر وجود دارد.

دلیل چهارم: ظلم

بعضی از بزرگان فرموده‌اند: هرکسی متوجه می‌شود که این نوع اقدام صوری برای افزایش قیمت و ضرر به شخص، ظلم است. حرمت ظلم نیز مشخص است.

کبرای حرمت ظلم، عقلاً و ظاهراً صادق است.

اشکال: ظلم ادله‌ی مستقل نیست

نکته مهم این است که صدق ظلم چیزی جز غش و اضرار است یا اینکه ظلم به خاطر چیز دیگری است. یعنی طرح دلیل ظلم به‌عنوان دلیل مستقل وجهی ندارد. امکان دارد بگوییم، ظلم از حیث همان غش و اضرار است. اگر برای ظلم، عنوان ویژه‌ای جز غش، اضرار و کذب پیدا نکنیم، باید دلیل قرار بدهیم. ولی زمانی که تحلیل می‌کنیم، می‌بینیم ظلم همان غش و اضرار است. یعنی اگر بگوییم فریب داده است همان غش است و اگر بگوییم ضرر رسانده است، اضرار است.

عنوان ظلم، عام است و مصادیق زیادی دارد. غش، اضرار، کذب مصادیق ظلم هستند.

جواب اشکال

غش و اضرار، عناوینی است که ادله شرعیه و اطلاقاتی بر آن وجود دارد. ما یک سری دلایلی عقلی و نقلی داریم. در ظلم، دلایل عقلی وجود دارد؛ دلایل نقلی نیز وجود دارد. وقتی هر دو عنوان را از حیث شرعی بررسی کنیم، ادله‌ای که برای حرمت غش و اضرار آمده است، دامنه‌ی متفاوتی دارند.



شماره ثبت: ۳۱۵۴

اگر بگوییم حکم عقل وجود دارد، ظلم دلیل مستقل نیست. اما وقتی دلیل شرعی شد، در محدوده دلالت باهم تفاوت دارند. مثلاً ادله‌ی غش اختصاص به مسلم دارد ولی ادله‌ی ظلم اطلاق دارد. دلیل شرعی و عقلی، دامنه‌ی متفاوتی دارند.

نتیجه گیری

کسانی که ادله ظلم را مستقلاً بیان کرده‌اند به خاطر این است که دامنه‌ی متفاوتی با ادله‌ی دیگر دارد. درست است که از لحاظ عقلی این سه ادله (غش، اضرار، ظلم) باهم مرتبط هستند؛ اما از لحاظ شرعی، احکام و شرایط جداگانه‌ای دارند.

نکته مهم

این وجه، وجه قبلی را تکمیل می‌کند. جدایی این ادله، عموم و خصوص من وجه است، مثلاً غش و اضرار مرتبه‌ی خاصه از حکم است. یعنی ظلم مراتبی دارد، در این قسمت می‌توانیم به قواعد عامه‌ی ظلم تمسک کنیم. اگر این امر را بگوییم از لحاظ عقلی نیز می‌توانیم دلیل بیاوریم.